

اقتصاد "زنانه" در ایران (مصاف ها و چشم اندازها)



مقدمه

زنان طبقه کارگر کیانند؟ (تصویر طبقه حاکم)
زنان طبقه کارگر کیانند؟ (تصویر از زاویه طبقاتی کارگری)
بازار کار زنان در ایران
خانه داری
کار خدماتی
کار خانگی
صنعت خوراک
صنایع پوشاک
هیولای "کمپته امداد" و "اداره بهزیستی"
تعرض ننگین بورژوازی
ایام سیاه ارتجاعی
بورژوازی فرومایه و فرصت طلب
غرضه های پنهان خرده بورژوازی در بهره کشی از کار زنان
خانه کارگر و شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی
جنبش کارگری، چشم انداز و مصاف ها
جنبش کارگری - صورت مساله
جنبش کارگری "مردانه"
مصافها و چشم اندازها
تعاونی و مکانیسم های همیاری
زنان کارگر، شتاب و روح نوین در بیمه بیکاری
سیستم مزدی کارگران در ایران باید تغییر کند
مبارزات کارگری در محلات

اقتصاد "زنانه" در ایران (مصاف ها و چشم اندازها)

۱- مقدمه

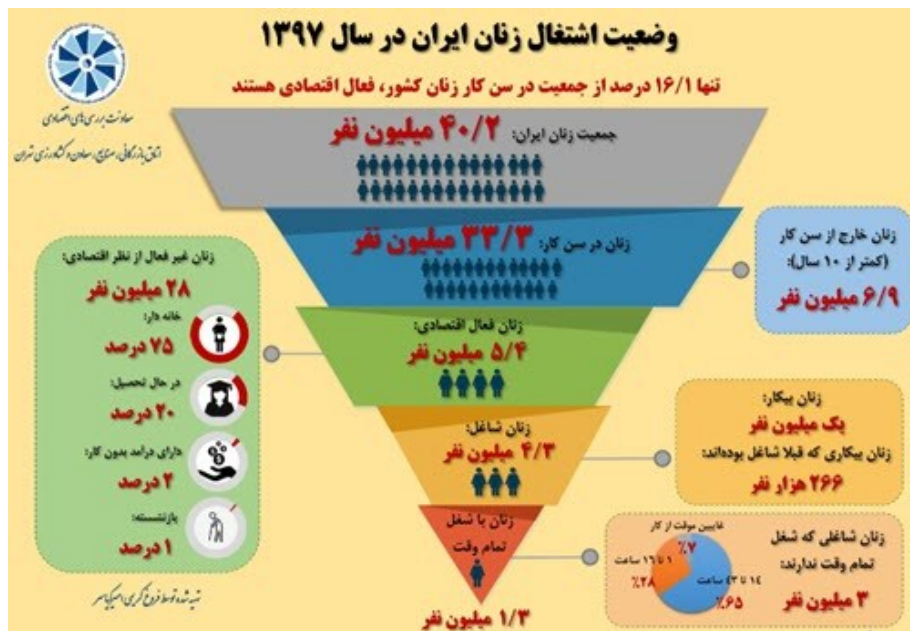
"آینده موفق اقتصادی ایران در گرو سازماندهی نیروی کار مزدی زنان است." یک جمله در ده کلمه فلسفه تحولات تعیین کننده در ساختار و در سیاست های راهبردی طبقه حاکم در ایران را بدست میدهد. اما کدام ایران، کدام اقتصاد؟ و در کدام آینده؟ اگر چیزی از حرف آخر نوشته را در همان سطر اول "فاش" کنم باید جواب دهم، ایران زنانه، اقتصاد زنانه و در یک آینده پر شتاب!

زنان همیشه کار کرده اند. امورات دشوار مزرعه و دامداری بعلاوه کار طاقت فرسای بچه و خانه داری بر دوش زنان طبقه محروم و زحمتکش سنگینی کرده است. کاپیتالیسم و بهره کشی از نیروی کار زن در شهر و روستا داستان صد ساله مناسبات غالب است. اما با این وجود کارمزدی زنان پدیده نسبتا جدیدی بنظر میرسد که با شتابی سرسام آور همچون یک گلوله آتشین در طی بخصوص دو دهه اخیر سراسر جغرافیای ایران، روستاها و شهرها را بهم میبافد.

از منظر توامان "زنان" و "کارمزدی" تصویر جامعه ایران یک تصویر هراسناک است. بورژوازی هار در حال شکل دادن یک بازار کار زنانه، در میان انبوه توطئه سر از پا نمیشناسد. نوشته حاضر تلاشی در شناختن و شناساندن مشخصات بازار کار زنانه معاصر است و برای اینکار شاغلین و اشتغال را زیر ذره بین قرار

میدهد. گره گاه اصلی طبقه کارگر در ایران بیکاری زنان نیست، بر عکس، این اشتغال زنان طبقه کارگر است که باید مورد تعرض قرار بگیرد. بخش اساسی از این "اشتغال" باید فوراً تعطیل شود. چرا و چگونه، موضوع بحث و بررسی طول نوشته است.

۲- زنان طبقه کارگر کیانند؟ (تصویر طبقه حاکم)



دیگرام فوق تصویر کلی طبقه حاکم از زنان طبقه کارگر است. ردیف "زنان دارای درآمد بدون کار (2 درصد)" را میتوان به افشار مرفه تر اختصاص داد. آمار سال 1397 آگاهانه صورت گرفته است تا بتوان روندهای اصلی را خارج از تأثیرات ناشی از اپیدمی کرونا مورد بررسی قرار داد. در مورد دیگرام و تصویر آماری مربوطه چند نکته اساسی را

باید مد نظر داشت.

اول: این تصویر بر یک تحریف بزرگ استوار است. شیادی مخدوش کردن پدیده "اشتغال" و پدیده "کار" رسواترین شیادی بورژوازی در وارونه کردن حقایق بنیادی جامعه و حمله به طبقه کارگر است، و اینجا در عرصه زنان رسواتر از هر جای دیگر خود را نشان میدهد. تیتر اصلی حکایت از "اشتغال زنان" دارد و در فاصله یک خط به استنتاج درباره "کار زنان" میپردازد. "تنها 16 درصد از جمعیت در سن کار زنان، فعال اقتصادی هستند" آمده در دیالگرام یک دروغ منحط و شاه کلید یک سیاست رسمی سراسر سودجویانه خبیث در ایران را تشکیل داده است.

دوم: مقوله "اشتغال" بیانگر رابطه معین میان فرد کارکن و ابزار کار است. این ابزار در تصاحب و در اختیار کس و کسانی است که از این دارایی و اختیار در خدمت اهداف و منافع خود بهره برداری کنند. در این توصیفات سرمایه دار حذف میشود، شرایط کار و استثمار حذف میشود. بجایش "اشتغال" در غالب نعمت آسمانی ظاهر میگردد.

سوم: این آمار نفس وجود دست کم دو میلیون زن افغانستانی در ایران را ندیده گرفته است و به همین دلیل نمیتواند از اعتبار قابل توجهی در زمینه کار، معیشت و سازندگی در ساختار اقتصادی ایران در یکی از "پر کار ترین" دوره های تاریخی آن دیار برخوردار باشد.

چهارم: مهم در این میان آنجاست که این ارقام و تقسیم بندی را پویا بنگریم. زنان پشت این ارقام دارای گذشته معینی هستند. اشتغال یا بیکاری و معنای عملی هر کدام، خارج از اراده آنها و اساسا محصول شرایطی است که در آن قرار گرفته اند. کدام شرایط، کدام سیاستها و چگونه کار را به اینجا رساند؟ و رو به کجا میخوانند ببرند؟ به پاسخ به این سوالات مفصلا خواهیم پرداخت. اما قبل از آن باید روی تصویر زنان طبقه کارگر از موقعیت فعلی مکث کنیم.

۳- زنان طبقه کارگر کیانند؟ (تصویر از زاویه طبقاتی کارگری)

اگر هدف پایه از ساختار و کارکرد اقتصاد جامعه در این خلاصه میشود که انسانها چه بخورند، چه بپوشند و بقا و باز تولید خود را تامین نمایند، این امر اساسا بدون کار و دخالت مستقیم و فعال زنان طبقه کارگر غیر ممکن است. کسی که 17 میلیون زن خانه دار طبقه کارگر را "غیر فعال از نظر اقتصادی" قلمداد میکند، نه فقط چشم بر یک واقعیت بدیهی میندند، خود را به نادانی میزند، در دالانهای حکومت بورژوازی محمل یک سیاست ضدکارگری است.

در دل جنگ و بحران و محاصره اقتصادی، در دل چهل سال از دستمزدهای زیر خط فقر و در دل سالهای طولانی از تورم و گرانی که تنها مسئولیت دولت در یارانه های فکسنی و "ساماندهی" صدقه خلاصه میشود، کار و فداکاری زنان طبقه کارگر تنها تضمین بقای جامعه عمل کرده است. کار خانگی، صف ها و کوپن ها داستان فرسودگی یک نسل از زنان طبقه کارگر است که در میان اعداد و نمودارها انکار میشود. این "انکار" نه ناشی از نادانی و یا دشمنی کور طبقاتی بلکه در تدارک سیاستهای ضدکارگری بیشتر در دستور قرار میگیرد.

در زمینه کار و اشتغال زنان در لجنزاری از روابط و ضوابط غیر قانونی و تبعیض، جایی که حتی همان قانون کار کذایی باندازه یک دستمال توالنت مصرف شده از ارزش برخوردار نیست، انتشار سند "وضعیت اشتغال زنان..." فقط از جمهوری اسلامی و آلیاژ ضد زن شناخته شده آن قابل تصور است.

کار کودکان، خدمات و ...

۴- بازار کار زنان در ایران

چگونگی بازار کار زنان در زمره مسایل استراتژیک در سازمان دادن اقتصاد جامعه و ساختار بورژوازی آن است. زنان در قالب چهل میلیون نفر نیروی آماده بکار اساسا تحصیل کرده و شهری شلاق به رویاهای هر بخش از بورژوازی میکشد. دامنه توجه و تعداد ارگانهای درگیر وجوه مختلف کار زنان غیر قابل باور است. کار زنان از امورات برد تضمینی همه جانبه، عرصه سودهای سرشار و آسان، و بازی در حیاط خلوت بحساب آمده است.

مشکل جامعه ما کار زنان نیست. همین الان کار زنان جامعه را بر دوش خود میچرخاند. درد جامعه ما بکارگیری کار زنان و همزمان انکار هر گونه حق و حقوق برای زنان کارگراست.

مشخصات عرصه های مهم بازار کار زنان گویای واقعیت جهنم دره ای در متن روزمره آن جامعه است.

۴-۱ خانه داری

جامعه ایران از بحران اقتصادی عمیق سرمایه و عواقب گرانی و فقر و بیکاری آن، به قیمت فرسودگی عظیم کار خانه داری زنان جان سالم بدر برده است. در یک حمله وحشیانه بورژوازی به هست و نیست طبقه کارگر، در توحش بی در و پیکر حکومت و سودجویی سرمایه که دستمزدها به قعر خط فقر سقوط کرد کوپن و یارانه ها با صف و صرفه جویی جانکاه زنان شکمها را سیر نگه میدارد. درطول چهل سال آزرگار یک چهاردیواری و یک زن بسیار بیشتر از یک خانه بوده؛ از نگاهتگاه تا مامن سالمندان، همه چیز بوده؛ و کماکان بر دوش کار، کار و باز هم کار زن خانه سنگینی کرده است. مرد سالاری کدام عفرتی است که چشم ها را بر این حقیقت آشکار کور ساخته است؟

۲-۴ کار خانگی

گفته میشود بحران اقتصادی طولانی مدت باعث دلسردی عمومی و نزول انگیزه کار و کاسبی میشود، در عوض انتظارات از دولت بالا میرود. هر چه هست این حکم در مورد ایران صدق نمیکند. دولت حاکم بجای کمک هزینه و بجای بیمه بیکاری خانه ها را با دار قالی قسطی پر کرد. جامعه به تب بیزینس تولید خانگی، و اینبار اساسا با کار مضاعف زن خانواده مبتلا گردید. کار خانگی محدود به قالی بافی نماند، اما آنچه مسلم است دوره سی سال اخیر با شکوفایی عظیم صنعت قالی بافی ایران، هم در دامنه ابتکارات و ذوق و همچنین در کیفیت و بافت شناخته میشود. قالی بافی شهری شد. نمایندگی فروش و سفارتخانه فرش در گوشه و کنار دنیا احیا شدند، فرش بعنوان جانشین صادرات نفت بر سر زبانها افتاد، بخصوص که نه صنعت است و نه سرمایه میخواهد.

۳-۴ کار خدماتی

مدتهای طولانی است که از مرد نان آور خانواده جز یک قصه چیزی باقی نیست. بدون کار زن سر و ته خرج یک خانواده بهم نیاید. "زنانی که برای پرکردن حفره های زندگی به هر کاری تن میدهند" چهره اقتصاد جامعه را عوض کرده است. این "حفره" میتواند کسری کرایه خانه، قسط قرض شهریه و مخارج تحصیل پسرک نور چشمی، مخارج داروی مادر بزرگ و یا حتی مخارج جراحی چروک لعنتی پای چشم باشد. زنان کارهای خدماتی، موج بزرگ انسانی هستند از کله سحر تا آخرین ساعات شب از هر جا سر بر میآورند، چند ساعت اینجا در نظافت این خانه، چند ساعت آنجا دستیار مطب یک دکتر و غیره. فصل مشترک همه این کارها ساعات کار پراکنده، وظایف سخت است که با خرده فرمایشات تازه کار فرما هر روز دشوارتر میشود.

۴-۴ صنایع پوشاک

پوشاک در جمعیت هشتاد میلیونی از اقلام مصرفی را تشکیل داده است که مباحث پیرامون واردات و حمایت از تولید داخلی یک دم فروکش نداشته است. فقر عمومی خیلی زود پوشاک را از لیست اولویت مصرفی اکثریت مردم پایین کشید. یک نیاز عمومی در پی پوشاک ارزان شکل گیری سرطانی کارگاه های تولید پوشاک را بدنبال داشت. "صنایع زیر پله ای" توصیف موجه برای درندشت تولید است که با یک چرخ خیاطی در هر سوراخ سنبه منازل برای همیشه جا خوش کرد.

۴-۵ صنایع خوراک

کار خانگی زنان در عرصه خوراک و آشپزی کل عادات و رژیم غذایی جامعه را دگرگون کرده است. محلات زحمتکش نشین، خانه به خانه، هر یک گوشه ای از مجمع الجزایر آشپزخانه های بزرگی بطور مداوم در فعالیت هستند تا قفسه فروشگاه ها تا غذای آماده رستورانها تامین شود. در غیاب کار خانگی زنان صنایع غذایی برای تامین نیازهای آن جامعه مستلزم مراکز صنعتی غول پیکر با سیستم های گسترده جهت نگهداری، پخت و پز، ترانسپورت و بازیابی زباله میبود. صنایع خوراکی در نوع خود از صنایع کاربر، پیچیده، فرساینده و آلوده به حساب میاید. کار ارزان زنان بازار رستورانها را گرم نگه داشته، استاندارد تغذیه عمومی را بالا برده و با تامین غذای ارزانتتر سفره طبقه متوسط و مرفه را رنگین ساخته است. این در حالی است که دستمزد زیر خط فقر کیفیت غذای سفره کارگران را بشدت پایین آورده است.

۴-۶ زنان در صنایع بزرگ

از کار زنان در کارگاه های بزرگتر از پنجاه نفر و یا در بخش های صنعتی بجز آنچه قبلا اشاره شد، خبر دقیقی در دست نیست. اینجا سر و کارمان با مقوله دیگری می افتد: بازار کار غیر رسمی. در این مورد کافی است اظهارات خانم سمیه گلپور، رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی کارگری" را از نظر بگذرانیم:

"زنان در ایران در مقابل ساعت کار طولانی تر، مزد کمتری می گیرند و از حمایت های قانونی برخوردار نیستند. او اخذ چک و سفته در کارگاه هایی که «غیررسمی» خوانده و «ترس از بین رفتن فرصت های شغلی» را از دیگر مشکلات زنان کارگر عنوان کرده و گفته است برخی کارفرماها برای اینکه زیر بار تعهدات قانون کار، حقوق زنان متاهل همچون حق عائلهمندی و دیگر موارد نروند، زنان مجرد را استخدام می کنند. او در ادامه از اشتغال گسترده زنان در ایران بدون برخورداری از بیمه خبر داده است. به گفته او، در سال ۱۳۹۶ زنان ۸۰ درصد مشاغل بدون بیمه را به خود اختصاص دادند.

("نرخ بیکاری زنان ایرانی دو برابر مردان و ..."، سایت کارگران ایران، ۸ اریهشت 1398)

گزارش از یک کارخانه، یک رسوایی!

"مشکلات زنان کارگر زیرنگاه مردان کارفرما" عنوان گزارش مندرج در سایت خانه کارگر (ایلنا) حاصل جد و جهد زیاد تیم خبرنگاری خبرگزاری کار ایران برای دسترسی به چند نفر از میان کارگران زن یک "کارخانه در شرق تهران" است. این گزارش از لحاظ اطلاعات مربوط به کارگران فاقد ارزش خبری است. اما اهمیت آن آنجاست که واقعیت مهمی در رابطه با خانه کارگر و ارتباط آن با مساله زنان و بازار کار را "افشا" میکند. خلاصه این گزارش به نقل از سایت "وکالت آنلاین" میگوید:

مشکلات اجتماعی زنان کارگر آنقدر عیان است که کارفرما اجازه ورود به محیط کار زنان کارخانه اش را نمیدهد تا آنجا که برای صحبت کردن با چند کارگر زن، با گذشت از چندین صافی به پشت در کارخانه رسیدم، در شرقی ترین نقطه تهران پس از بارها رفت و آمد و سفارش چندین نفر آن هم نه به اسم خبرنگار که حساسیت برانگیز باشد، به اسم دانشجو، نتوانستم اجازه ورود به کارخانه را بگیریم، دست آخر مجبور شدم ساعتی را پشت در کارخانه منتظر باشم تا کارگران تعطیل شوند... سه خانم از در کارخانه بیرون می‌آیند، به سمتشان می‌روم، می‌پرسم آیا آنجا کارم میکنند و شغلشان چیست؟ می‌گویند: نزدیک به 20 سال است در آنجا کار مونتاژ می‌کنند، با آنها همراه می‌شوم خیلی دلشان پر است. به خصوص از آقایان، می‌گویند: حریم ما را حفظ نمیکنند و هر طور که دوست دارند با ما صحبت میکنند.

ما پابه پای مردان کار میکنیم، قطعات سنگین جابه جا می‌کنیم اما مردها نمیگذارند ما ارتقا پیدا کنیم وقتی هم شکایتی کنیم، می‌گویند خب قراردادی شوید، وقتی که ما تا یکی- دو سال دیگر بازنشسته می‌شویم، چرا باید قراردادی شویم، ضمن اینکه میدانیم قرارداد قدم اول اخراج است، می‌گویند: مهر پارسال همه قراردادی‌ها اخراج شدند، اگر ما که چند سال تا بازنشستگی نداریم اخراج شویم، کجا باید دنبال کار بگردیم تازه کاری جز این کار بلد نیستیم. یکی از آنها می‌گوید:

مشکل یکی دو تا نیست، خانواده و بچه‌ها، کمی حقوق، خرج زیاد، نداشتن اضافه کاری، برخورد بد آقایان در محیط کار و اجتماع اگر بخواهیم بشماریم مشکلات زیاد هست، مهد کودک نداریم، سردکننده و گرم‌کننده هوا نداریم واسه همین زمستونها یخ می‌زنیم، تابستون‌ها از گرما خفه می‌شویم، پارسال هم من واسه رختکن بخاری برقی آوردم، گفتن برق گفتن: نه! مصرف میکنه ببرش. و همچنین به علت سنگینی مسئولیتی که بر دوش این زنان است اکثر آنها دچار بیماری و پیری زودرس میشوند...

اینجا مساله تبعیض جنسیتی مطرح است، ده زن از دختر 18 ساله تا مادری که پسرش 18 سالش است در این اتاق 20 متری کار می کنند. روز اول به آنها گفته اند بعد از سه ماه، قرارداد و بیمه دارید اما برخی از آنها نزدیک یک سال است بدون قرارداد و بیمه کار میکنند با ماهی 200 هزار تومان!

بعضی از آنها خاطرات غم انگیزی دارند، زینب میگوید: قبل از این، جایی کار می کردم که هر کس مرخصی زایمان می رفت، بعد از زایمان با هزار امید به سر کار باز میگشت اما دیگر از کار خبری نبود.

لیلا قبلا در مشهد کتابدار بوده است او میگوید:

آنجا خیلی علنی ازدواج قدغن بود، یعنی تو را اگر مجرد بودی استخدام میکردند و اگر استخدام میشدی و ازدواج میکردی کارت را از دست میدادی، من آنجا همکار 40 ساله داشتم که چون به حقوق آنجا نیاز داشت ازدواج نمیکرد.

در این شرکت برای آنها اضافه کاری حساب نمی کنند و در اساس نامه آن چیزی به عنوان مرخصی وجود ندارد، اگر یک روز هم مرخصی بخواهند از حقوقشان کسر میشود یکی برگه مرخصی را نشانم میدهد. گزینه "بدون حقوق" تیک خورده است.

۴-۷ هیولای "کمیته امداد" و "اداره بهزیستی"

این دو نهاد بعنوان شاخص اسارت زنان در چنبره کار مزدی چون یک لکه سیاه تاریخ تحولات جامعه ایران بسوی آزادی و حرمت انسانی را تعقیب خواهند کرد. وجدان انسانی جامعه جز با غربال کردن سرگذشت استثماررو بهره کشی بیش از سه میلیون زن و فرزندان آنها در پشت دیوار و دروازه دست نیافتنی هرگز نخواهد توانست روی آرامش ببیند. این زنان از شریف ترین اعضای طبقه کارگر هستند، حق دارند نجات یابند، جامعه و بیش از هر کس طبقه کارگر باید دین و غرامت سالهای سیاه طولانی از سکوت و تحمل خاموش را به گردن بگیرد.

در حالیکه فونکسیونهای رسمی جامعه با سرسختی و بطور سیستماتیک از هر گونه کمک به زنان سر باز میزنند، دو نهاد نامبرده دائما و با اشتیاق بیشتر به شکار زنان مشغول هستند. وظیفه این دو نهاد یک سر سوزن ربطی به امداد و کمک رسانی ندارد، برعکس، کارکرد آنها در عمق کثافت طبقاتی بورژوازی جامعه، جمعآوری "تلفات انسانی" حاصل از کارکرد نظام و سپردن بار مسئولیت بر دوش زنان است. این نهادها امر بازنشستگی، درمانگاه، نگهداری سالمندان و معلولان و از کار افتادگان و بازماندگان را منحل ساخته، وظیفه را به زنان سپرده؛ و سپس با ریا کاری نفرت انگیز در باب "بیوگان و بینوایان" از فرسودگی دردناک همین زنان در مقابل این بار سنگین کیسه سودجویی دوخته اند.

"زنان سرپرست خانواده" بیانگر زندگی بخش قابل ملاحظه ای از پیکر زنان طبقه کارگر است که در اسارت کارهای سخت از قبیل قالی بافی در مقابل دستمزدهای ناچیز علاوه بر تحقیر دائمی، بار مسئولیت های جامعه را بعهده دارد. هیچ ضابطه و مقررات تعریف شده ای برای کار و دستمزد این نهادها در دست نیست. کار و تولید این زنان در شمول چهارچوب مسخره امور خیریه دسته بندی میشود، اساس روابط تولیدی بر مراودات قرون وسطایی کنتراتی استوار است و هیچ خبری از حق تشکل، مذاکره دست جمعی و حق سازمان یافتگی در میان نیست.

بطور کلی حصار بلند امنیتی و زد و بندهای دوایر دولتی با نهادهای مورد بحث هر گونه اطلاعات در مورد شرایط کار زنان را غیر ممکن کرده است. یک مورد درز جزئیات در لابلای اخبار تبلیغاتی کافی است تا پرده از اردوگاه های کار اجباری و پر سود زنان در این نهادها بردارد.

خبرگزاری شبستان، دوازدهم ماه مهر 1399 با عنوان "48 زن سرپرست خانوار کمیته امداد شیروان مستمری بگیر شدند":

براساس توافق صورت گرفته بین کمیته امداد با سازمان تامین اجتماعی، با پرداخت حداقل

۱۰ سال حق بیمه و شرایط سنی ۵۵ سال، زنان سرپرست خانوار تحت حمایت می‌توانند از مزایایی مستمری بازنشستگی بهره‌مند شوند.

به هر خانوار بازنشسته، ۶ میلیون ریال مستمری پرداخت می‌شود... حق بیمه این قشر توسط کمیته امداد پرداخت می‌شود، ... زنانی در اولویت قرار گرفتن بیمه تامین اجتماعی هستند که مددجوی تحت پوشش این نهاد، سرپرست خانوار و سن آنان بین ۴۰ تا ۴۵ سال باشد.... همچنین ۱۴۲ زن سرپرست خانوار روستایی بیمه صندوق روستایی و عشایری هستند که شرط بازنشستگی آنان ۱۵ سال حق بیمه و شرط سنی ۶۵ سال است."

رئوس خبر در همین حد بسیار گویاست، در توافق با وزارت کار، حداقل ده سال کار با یک بازنشستگی معادل 600 هزار تومان در ماه!

سرویس: خراسان شمالی - زمان: ۱۰:۳۵ - ۱۳۹۹/۷/۱۴ شناسه خبر: ۹۷۸۶۷۴

مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) شیروان:

۴۸ زن سرپرست خانوار کمیته امداد شیروان مستمری بگیر شدند

مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) شیروان گفت: امسال ۴۸ زن سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) شیروان، مستمری بگیر شدند.



۴-۶-۱ داستان زندگی حسیبه و طوبی از کارگران "زن سرپرست خانواده"

حسیبه یکی از 120 زن "سرپرست خانواده" است که از طریق کمیته امداد در مرکز تفکیک زباله اهواز دست بکار شده است. او و همکاران روزانه با بیش از یک هزار تن زباله سر و کار دارند. شوهر او 15 سال پیش بر اثر تصادف فلج و زمینگیر شده است. حسیبه ساعت پنج و نیم صبح هر روز از خانه خارج می‌شود، خانه ای در انتهای محله پردیس در کنار بیمارستان بقایی که تقریباً در محدوده خارج از شهر قرار دارد. در این

ساعت از صبح اتوبوسی برای تردد نیست و به ناچار باید یک مسیر طولانی تا میدان دانشگاه را با تاکسی طی کند تا به سرویس شرکت برسد.

زنان سرپرست خانوار و یا بد سرپرستی هستند که روزانه بین ۶ تا هشت ساعت در میان کوهی از زباله کار می کنند. حسیه که به گفته خودش سابقه پنج ساله در تفکیک زباله دارد می گوید: همسرم ۱۵ سال پیش بر اثر یک تصادف شدید فلج و بعد از آن خانه نشین شد، بعد از آن برای تامین مخارج خانه همیشه با مشکل مواجه بودیم.

او ادامه می دهد: از چند سال پیش تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفتیم اما مستمری کمیته امداد واقعا برای هزینه های یک خانواده چهار نفره با ۲ فرزند و یک همسر معلول کافی نبود به همین دلیل تصمیم گرفتم تا خودم کاری پیدا کنم.

حسیه ۳۵ ساله که گرد پیری بر چهره آفتاب سوخته و دست هایش نشسته توضیح می دهد: پیدا کردن کار برای زنی که سواد و سابقه کار ندارد خیلی سخت است مدت های زیادی برای پیدا کردن کار گشتم اما کسی حاضر نبود به یک زن ساکن در منطقه حاشیه نشین اعتماد کند.

او می گوید: در نهایت از طریق کمیته امداد با یک شرکت تفکیک زباله آشنا شدم که به دنبال نیروی کار بود، حتی تصور هم نمی کردم روزی در مکانی کار کنم که انبوهی از مگسها و آلودگی گیرامونم را فرا گیرد و من بی توجه به آنها باید زباله تفکیک کنم. این کارگر زن درخصوص مخاطرات کارش می افزاید: وقتی نام تفکیک زباله به میان می آید خیلی ها تنها به یاد زباله های مسممکننده می افتند اما در کنار آن خطرات

بسیاری هم ما را تهدید می کند زیرا در میان این زباله ها سرنگ ها و اشیای نوک تیز بسیاری وجود دارد که هر آن می تواند ما را به بیماریهای سخت مبتلا کند.

وی می گوید: سال گذشته یک سرنگ آلوده در دست من فرو رفت که باعث شد ۲۵ روز در یک بیمارستان بستری شوم.

طوبی دیگر زنیست که در سایت تفکیک زباله کار می کند حدودا ۴۰ سال سن دارد و با سه فرزند خود زندگی می کند او نیز می گوید: همسرم سالها مریض احوال بود هزینه بسیاری برای درمان آن کردیم اما در نهایت عمرش به دنیا نبود و خیلی زود من و چهار فرزندش را ترک کرد.

او که دائم زانوهایش را با دست هایش ماساژ می دهد می افزاید: دختر بزرگم سال گذشته ازدواج کرد و اکنون با ۲ دختر و یک پسر در حصیرآباد زندگی می کنیم. طوبی بیش از آنکه از کم بودن حقوقش گلّه داشته باشد نگران بیکار شدن است و می گوید: حقوق یک ونیم تا ۲ میلیون تومانی برای اداره کردن زندگی در این شرایط اقتصادی برای بعضی خانواده ها که خرج زیادی دارند محال است اما من برای همین حقوق روزی ۱۰ مرتبه خدا را شکر می کنم.

وی می افزاید: از اسفند سال گذشته که به دلیل شیوع ویروس کرونا بیکار شده ایم هیچ حقوقی دریافت نکرده ایم، حتی سنوات سال های گذشته هم به ما پرداخت نشده است. ("جستجوی زنانه برای یک اقمه نان..."، ایرنا، 11 اریبشت 1399)

۵- تعرض ننگین بورژوازی

آپارتاید رسمی علیه زنان و همه وجوه ارتجاعی آن بر کسی پوشیده نیست. عرصه بازار کار زنان همه جوهره چرکین این آپارتاید را در دست طبقه بورژوا دستمایه یک تعرض سازمان یافته علیه بنیادهای تفکر و تمدن انسانی در جامعه، و در راس آن تعرض علیه طبقه کارگر ساخته است. هسته اصلی سیاست جمهوری اسلامی سرمایه را قطع هر گونه کمک اقتصادی به زنان کارگر شکل داده است، هیچ وقت بیمه بیکاری حتی در همان محدوده مسخره کارگران مرد به نفع زنان کارگر اجرا نشد. این دوره ای است که بیرحمی و بی مسئولیتی ارگانهای دولتی در قبال فقر و گرسنگی کارگران در ملاء عام قرار گرفت. عکس زنان در جستجوی میان زباله ها و کارتن خوابی قبح خود را از دست داد و هر روز در رسانه ها سر در آورد.

در طول چند دهه و در دوازده دوره ریاست جمهوری تصویر زنان بی پناه، در لبه پرتگاه سقوط آذین بند مشترک رسانه ها و بیانگر سیاست رسمی ایران بوده است. صفحات روزنامه ها در گزارش پیاپی از اخبار تعدی و پایمال دستمزد و بیمه و حقوق کارگران زن، و پاسخ گستاخ و ولنگارانه مسئولین تنها یک پیام واحد را به جامعه مخابره کرده است: امید بیجا ممنوع! جان بکنید و قدر کارفرمای خود را بدانید!

۵-۱ ایام سیاه ارتجاعی

آیندگان روزنامه های دوره معاصر را ورق خواهند زد، تحولات بازار کار زنان توجهشان را جلب خواهد کرد و در مقابل تهاجم هار طبقه حاکم هاج و واج خواهند ماند. در زمانیکه دولت حاکم در بالاترین رده های شاخص فساد و دزدی در خارج و داخل کشور جا خوش کرده است همزمان با پرچم "اعانه، نه! کار کنید و روی پای خود

بایستید!" حمله سخیف و جنایتکارانه علیه کل جامعه و شریف ترین بخش جمعیت زحمتکش سازمان مییابد.

۲-۵ بورژوازی فرومایه و فرصت طلب

بازار کار زنان باد به بیرق سود جویی جبون بورژوازی ایران انداخت. تجارتخانه بازاریان، زیر پله های مونتاز پوشاک، بیغوله های قالی و جاجیم بافی رونق گرفت، پستوهای بسته بندی گیاهی با عنوان "صنایع دارویی سنتی" رواج یافت ... همه این رونق چیزی جز حاصل استثمار کار ارزان زیر زمینی زنان و دستمزدهای پرداخت نشده کارگران فراتر نبود. بورژوازی ایران چیزیی بیشتر از حکومت اسلامی آن چه در افق، چه در روش و چه در اخلاقیات در چننه نداشت.

۳-۵ عرضه های پنهان خرده بورژوازی در بهره کشی از کار زنان

اما پدیده بازار کار زنان چاله رسوایی و مهر ننگ بر پیشانی خرده بورژوازی ایران شد. بنگاه های "عرضه های خود را کشف کنید" و کتاب کلاسهای "راه و روش بیزینس موفق" از همه جا سر بر آورد. مطب پزشکان و هر حجره و پستو صاحب تلفنچی گشتند. مغازه داران "راه موفقیت" را در بکارگیری زنان پشت پیشخوان در پیش گرفتند. ساعات کار طولانی، شروط بیشرمانه کار و دستمزدهای نازل و عمدتا نسیه وجه مشترک لیست طولانی از "مشاغلی" است که بر استثمار فرصت طلبانه نیروی کار زنان استوار بود. رسوایی خرده بورژوازی ایران در بحبوحه بازار کار زنان هنوز در جای دیگر است.

۴-۵ خانه کارگر و شوراهاى اسلامى و انجمن هاى صنفى

در بررسى روند بازار کار زنانه در ایران نقش دو پدیده را نمیتوان نادیده گرفت.

۴-۵-۱ انجمن صنفى کارگرى زنان

رد پای این انجمن در رسانه ها و در دنیای اخبار کارگرى گفتگوهاى با فاصله چند ماه یکبار را میتوان سراغ گرفت. همین! در آخرین نمونه هاى این موارد "سمیه گلپور" در سمت "رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن صنفى کارگرى زنان" در گفتگوی مفصل با خبرگزاری جمهوری اسلامى (ایرنا) در تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ چشم خوانندگان را به واقعیت تلخ از وضعیت اشتغال زنان باز میکند. او میگوید:

بررسى قراردادهای موقت و شفاهى زنان کارگر نشان دهنده نابسامانى در تنظیم قراردادهای کار زنان است. همچنین دستمزد پایین و نابرابر برای تامین حداقل زندگى، ساعات های طولانى کار، فرزند پرورى و مادری و تهدید از دست دادن شغل، مسائل بیمه و موارد دیگر از جمله بیمه های زنان کارگر است که عمدتاً یا سرپرست خانوار هستند یا برای تامین معاش خانواده همراه همسر خود وارد بازار کار می شوند. ... مطابق آمار مرکز آمار، بیش از ۹۰ درصد زنان کارگر در بخش خصوصى شاغل هستند و بنابراین میزان تعهد کارفرمایان خصوصى به قانون کار و حمایت از زنان کارگر بسیار حائز اهمیت است.

... بیش از نیمی از زنان کارگر، کارگران خوداشتغالى، کارگران مستقل یا کارکنان فامیلی بدون مزد و حقوق هستند که تصمیم سازی برای این قشر نیز حائز اهمیت است.

... بیشترین آسیب های اشتغال در حوزه زنان کارگر شامل افرادی می شود که بدون عقد قرارداد کار می کنند، قراردادهای نامشخص و سفید امضا دارند؛ دستمزد آنها کمتر از دستمزدهای قانونی است و حقوق خود را به صورت نامنظم دریافت می کنند؛ بدون

برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای و مزایای آن با عدم امنیت شغلی و نبود بیمه بیکاری کار می‌کنند و یا حتی در سن کمتر از سن قانونی وارد بازار کار می‌شوند و حق اعتراض به کارفرمایی که قوانین کار را زیر پا می‌گذارد ندارند.

... ۶۰ درصد از فعالیت‌های کشاورزی، ۶۳ درصد از فعالیت‌های دامداری و بخش بزرگی از فعالیت‌های باغی و فرآورده‌های از این دست در روستاها برعهده زنان کارگر است و حتی خودشان نیز خود را شاغل نمی‌دانند و خود را صرفاً زنان خانه‌دار تلقی می‌کنند.

... نکته قابل‌تأمل اینجاست که زنان کارگر در شهرها اغلب در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر یا ۵ نفر کار می‌کنند که این کارگاه‌ها بیش از ۹۰ درصد کارگاه‌ها را تشکیل می‌دهند؛ طبق ماده ۱۹۱ قانون کار که در سال ۷۸ تصویب شد، کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر را از شمول برخی از مقررات قانون مستثنی کرد و به این ترتیب بخش بزرگی از زنان شاغل در آنها از شمول حمایت‌های قانونی خارج شدند... با توجه به گستردگی و فراوانی این کارگاه‌ها و همچنین محدودیت نیروی کار در واحدهای نظارت‌ادارات کار، امکان نظارت بر شرایط کاری زنان کارگر بسیار مشکل است و زنان کارگر در این کارگاه‌ها شرایطی که قانون کار تعریف کرده، را ندارند.

در موضوع زنان کارگر نمیتوان "سمیه گلپور" و کمیته عالی امور زنان را از قلم انداخت. اهمیت ارجاع به ایشان در اطلاعات و آمار نیست. اهمیت مساله اینجاست که انجمن‌های صنفی کارگری در قامت یکی از دو ارگان رسمی حقوق کارگری در ایران در زمینه زنان کارگر مشغول چیست.

گلپور افزود: قوانین خوبی در زمینه اشتغال زنان داریم که اگر رعایت شود بسیاری از مشکلات زنان در حوزه کار برطرف می‌شود. وی اظهار امیدواری کرد که یک الگوی شایسته برای اشتغال زنان تدوین شود به طوری که همه زنان کارگر را تحت پوشش قرار

دهد چرا که ضرورت آن به شدت حس می شود، تا هم اشتغال زنان و حفظ حریم ها در بازار کار لحاظ شود و هم اینکه شائبه ابزار بودن زنان برداشته شود.

("زنان کارگر، بیمه ها و امیدها"، ایرنا، 15 اردیبهشت 1399)

۵-۴-۲ اتحادیه زنان کارگر

این "اتحادیه" زیر مجموعه خانه کارگر و بخشی از شبکه شوراهای اسلامی کار است. دارای شاخه های استانی است. در راستای نقش و هویت خانه کارگر جمهوری اسلامی از این بخش، تا آنجا که به حقوق زنان کارگر و فعالیت های اتحادیه ای مربوط باشد، "اتحادیه زنان کارگر" یکسری یک گنداب ضد کارگری است. برای آشنایی با شاخه زنان خانه کارگر و شوراهای اسلامی نگاهی به یک گزارش کاملا گویا است. این گزارش با عنوان تکان دهنده "حقوق زنان یک سوم مردان در واحد های تولیدی شهرک های صنعتی" سر از "اجرای قانون کار به نفع تمام اقشار کار و کارگری مانند کارفرما، کارگر و در نهایت تولید است." در میاورد.

زهره درویشی، رئیس اتحادیه زنان کارگر استان فارس و عضو شورای عالی کار میگوید:

... قرارداد های سفید امضا و موقت باعث شده که بخشی از روابط کارگری و کارفرمایی خراب شود... در شرایط فعلی چنین قراردادهایی بیشتر شبیه برده کشی مدرن است به طوری که کارفرمایان بعد از این که کارگر را استخدام کردند بعد از مدتی نیرو مشغول به کار را به بهانه هایی مانند عدم نیاز اخراج و در ادامه یک نیروی جوان را به کار میگیرند... متاسفانه کارفرماها بعد از اتمام قرار داد اقدام به اخراج کارگران می کنند... زنان باید در محل کار مکانی را داشته باشند تا بتوانند به نوزاد شیر دهند اما متاسفانه شاهدیم که چنین قوانینی به هیچ وجه در محیط های کار اجرا نمی شود.

... در محیط های کار استان و شرکتهای مستقر در شهرک صنعتی دستمزد زنان با مردان

برابر نیست... کارفرمایان با این بهانه که معاش و مخارج خانوار بر دوش مردان است حقوق زنان را یک سوم مردان است. ... گرفتن چک و سفته از کارگران توسط کارگاه های کوچک و 4 الی 5 نفره انجام می شود... تعداد چنین کارگاه هایی در استان و شیراز کم نیست. ... فرار بیمه ای کارفرمایان به عنوان یک امر طبیعی در سطح کشور در حال انجام است... این مهم شامل کارگاه های خرد می شود به طوری که بیشتر اصناف بیمه گریز هستند و از پرداخت حق بیمه کارگزارانشان امتناع می کنند. ("حقوق زنان ..."، ایلنا، 29 آبان 98)

۵-۴-۳ نقش ارگانهای دولتی

از ارگانهای دولتی معطوف به مسائل کارگران زن میتوان به کمیسیون زنان مجلس و معاونت امور زنان رئیس جمهور نیز اشاره کرد. اما مشخصا اینگونه امور به شاخه زنان دو ارگان اصلی دولتی کارگری در جمهوری اسلامی سپرده شده است. پیشتر به اتحادیه زنان کارگر و انجمن صنفی کارگران زن پرداخته شده است. بدون نیاز به هرگونه تفحص، فقط با مطالعه فعالیت و اظهارات مسئولین آنها ابداءشوار نیست که نقش و هدف این ارگانها را در نکات زیر خلاصه نمود.

اول: در رابطه با حقوق زنان کارگر در مقابل کارفرما این ارگانها دقیقا همان نقش را ایفا میکنند که سازمان مرکزی آنها - یعنی خانه کارگر و انجمن صنفی کارگران - بدان مشغول است دقیقا هیچ! این دو ارگان ربطی به دفاع از منافع کارگران ندارند. فلسفه وجودی آنها تحکیم و تضمین و توجیه سیاستهای دولت در محیطهای کارگری است. دوم: در مواجهه با اعتراض در میان کارگران، نقش این دو ارگان وقت خریدن، ایجاد تفرقه و فرسودگی صفوف اعتراضی کارگران و منزوی کردن رهبران کارگری خلاصه میشود.

سوم: مشخصا در مورد زنان کارگر، این دو ارگان فعالانه در جدا سازی زنان کارگر، رعایت قوانین اسلامی و بدین ترتیب ایجاد یک منطقه امن جهت اعمال تبعیض علیه زنان خدمت میکنند. در محیط فعالیت این ارگانها همیشه زنان منزوی هستند، هم از طرف کارفرما و هم از طرف کارگران مرد مورد تعرض و تبعیض قرار دارند.

چهارم: برای بسیج کارگران زن در دفاع از حقوق کارگری و علیه تبعیض؛ برای بسیج صف مشترک زنان و مردان کارگردرمبارزات مشترک و اساسی کارخانه باید فعالانه و بدون کوچکترین تخفیف علیه این دو ارگان ایستاد خواهان انزوا و تعطیل آنها شد.

پنجم، "صنفی بودن" و "قانونی بودن" این دو ارگان هیچ وقت نقطه قوت مبارزات کارگری نشدند، بر عکس هر درجه از ابراز وجود آنها نقطه ضعف صف کارگری را برجسته ساخته است. درمورد کارگران زن دیگر "صنفی بودن" و "قانونی بودن" دیگر یک دشمنی آشکار است.

۶- جنبش کارگری، چشم انداز و مصاف ها

جنبش کارگری ایران گسترده و پر جوشش از میان دشواری های بزرگ راه به جلو باز کرده است. جنگ، محاصره اقتصادی امریکا، بحران و فلاکت، و یک حکومت با سیاست بسیار فعال ضد کارگری ... هیچ کدام مانع از تداوم و حتی تعمیق مبارزات کارگری نشده است. این جنبش در تشخیص اولویت ها و عرصه های اصلی نبرد دچار غفلت گردید، نه فقط در دفاع از بخش زنان طبقه سنگر نیست، بلکه از کنار پیامدهای منفی و لطمات اجتناب ناپذیر این غفلت بر پیکر کل طبقه گذشت.

کم نیستند از صاحب نظران که تحولات بازار کار زنان را به "انقلاب خاموش" توصیف کرده اند. اگر کارگر زن هنوز تمام قواره خود در تولید را در صحنه اجتماع آشکار ساخته است، اما این هیچ تغییری در واقعیت اجتماعی عظیمی و حاضر ایجاد نمیکند. قدر مسلم این است که دوره خاموش به آخر خط خود رسیده است.

۶-۱ جنبش کارگری - صورت مساله

بخش مهم از گره گاه های مربوط به بازار کار زنانه در واقع بیانگر گره گاه های همه گیر جنبش کارگری است. یک خط رادیکال سوسیالیستی جنبش کارگری ایران هنوز مکانیسم همبستگی سراسری خود را نیافته است، ظرف جا افتاده ای برای شکل و مبارزات کارگران کارگاه های کوچک بچشم نمیخورد، در سطح محلات زیست کارگری شکل کارگری یا اساسا غایب است و یا دست کم توجه آنها به همبستگی و اتحاد خانواده ها هنوز آنچنان که باید و شاید نیست.

۶-۲ جنبش کارگری "مردانه"

هیچ تعریف معتبری در مورد جنبش کارگری "مردانه" در دست نیست. این یک عبارت دلخواهی است. اما بیگانگی جنبش کارگری ایران نسبت به بدنه زنانه خود غیر قابل انکار است. موقعیت زنان طبقه اساسا در مبارزات و کشمکش ها غایب است. بجز موارد نادر تازه آنها سمبلیک کمتر اثری از پافشاری و صف بندی بر سر حقوق زنان کارگر میتوان سراغ گرفت. بحث ادا بر سر این نیست که چه کاری از دست کارگران مرد میتوانست ساخته باشد. بحث بر سر این است که کارگران مرد تا چه حد وضعیت و مشکلات و مطالبات زنان کارگر را مستقیما مربوط به خود ببینند. آنچه در این رابطه باید جدی گرفت مردسالاری است. هیچ مکانیسم ناخودآگاه دفاعی علیه مردسالاری را در میان کارگران، چه زن و چه البته بخصوص مردان، نباید فرض گرفت.

زنان در فرودستی رسمی در قوانین و قاموس اسلامی حاکم بر ایران تبعیض و ستم های سنگینی را متحمل هستند. مردسالاری تسمه نقاله همین فرودستی از عرصه رسمی و قانونی به عرصه خانوادگی و اجتماعی عمل میکند. جامعه مرد سالار نه فقط خود محل

اعمال و تشدید فرودستی زن است بلکه در بی اعتنایی به ستم کشی زن میدان را برای هر کاپیتالیست نو کیسه فرصت طلب باز میکند.

کیفرخواست زنان آن جامعه بر وجدان طبقه کارگر ایران سنگینی میکند و بخش عظیم این کیفرخواست مربوط به زنان خانواده بزرگ طبقه کارگر است که دادخواست آن بی برو برگرد دست اعضای مرد این طبقه را میبوسد. طبقه کارگر در ایران آبستن یک "انقلاب" فکری است، یک انقلاب فکری که صغیر و کبیر این طبقه شیاریهای فکری و مبارزاتی خود را از مدفوع تفکرات مذهبی و مرد سالارانه لایروبی نماید. اینجا دیگر کاری از دست کارگران زن ساخته نیست. مردان این طبقه باید خود کلاه بوقی احمقانه جنس برتر را از سر بر گیرند! سواری به بورژوازی دیگر بس است.

جنبش کارگری در ایران، چه در سطح سراسری و چه در هر کارخانه و کارگاه باید بتواند قاطعانه علیه هر شکاف و میان زنان و مردان کارگر در درون صف مبارزاتی و در مطالبات و اهداف مقابله کند.

۳-۶ مصافها و چشم اندازها

واقعیت پر هیبت زنان طبقه کارگر جدالهای طبقاتی تعیین کننده را بر پاشنه محورهای سوسیالیستی قطبی کرده است. پیشروی طبقه کارگر در بهبودهای فوری و در سنگرهای اساسی مستقیماً به پیشروی های "زنانه و کارگری" طبقه گره خورده است. توان و ناتوانی های طبقه کارگر ناچاراً باید از "زاویه زنانه" یکبار برای همیشه بازنگری شود. این بازنگری نمیتواند به قانون و مقررات و آداب یک سر سوزن گذشت و توهم نشان دهد. این بازنگری نمیتواند رو به گذشته چیزی جز پرخاشگر و رو به آینده چیزی جز بیپروا باشد. تمام عوامل و نیروهای بردگی زنان نشان داده اند که اهل رعایت هیچ قاعده و قید و بندی نیستند؛ پیش میتازند، و تنها یک رادیکالیسم اجتماعی نیرومند است که میتواند آنها

را سر جایشان بنشانند. اگر بحث بر سر آینده جنبش کارگری، بحث بر سر شکستن روند مهلک دفاعی کنونی و چشم انداز یک جنبش قوی و منسجم تعرضی باشد، عرصه زنان قطب نما و بارومتر بی چون و چرای این چشم انداز خواهد بود.

برای پاسخ گویی به مطالبات عرصه زنان، طبقه کارگر نیاز به الگوهای سازمانی و روش کارهای جدید در عرصه مبارزات اقتصادی است. در امریکا و اروپا اتحادیه سراسری کارگران زن بود که صدها هزار کارگر کارخانه های پوشاک، زنان خیاط خانگی و دختران فروشنده سوپرمارکت ها را در پیکت های اعتراضی، در تظاهراتها و اعتصابات سراسری سازمان داد. آلترناتیو جنبش کارگری ایران قابل پیش بینی نیست، بستگی به قدم های عملی دارد. ولی آنچه مسلم است این است که این مبارزات سریعا مهر سیاسی بخود خواهد گرفت. یک دلیل آن پتانسیل اعتراضی در فضای مبارزات زنانه در ایران است. هیچ کس و هیچ نیرویی نمیتواند جلوی پتانسیل سرکش اعتراضی زنان را با مارپیچ قدم به قدم (از اقتصادی تا سیاسی) بگیرد.

حرف حساب جنبش کارگری و سوسیالیستی طبقه کارگر در این خلاصه میشود که جهنم دره کار زنان در ایران باید در هم پیچیده شود. عرصه های مبارزاتی زیر بنظر غیر قابل اجتناب بنظر میرسد.

۱-۳-۶ تعاونی و مکانیسم های همیاری

طبقه کارگر فاقد هر گونه مکانیسم دفاعی معیشتی در مقابل تامین نان و گرسنگی سپر انداخته است. تعاونی ها و اشکال مختلف همیاریها در تاریخ جنبش کارگری جزو اولین و بدیهی تری قدمها در راه حفاظت خانواده های کارگری از انواع تباهی و سموم بورژوازی بحساب آمده، در تاریخ معاصر ضعیف تر از هر زمان در تاریخ کارگری ایران و تجربه

های جهانی است. فقر و گرسنگی تنها در جمع و چاره جویی جمعی کارگری تبدیل به نیروی مبارزه و حق طلبی میشود. آسیب های پیکر طبقاتی کارگری از اعتیاد، انزوا، بی پناهی و تسلیم، خودکشی و امثال آن تکان دهنده است. امروز محلات کارگری جولانگاه موسسات خیریه است که بجز تثبیت تصویر فقر و بینوایان مظلوم نقش دیگری ایفا نمیکند. این وضعیت وارونه و غلط است. زنان خانواده های کارگری قربانیان اصلی این وضعیت هستند، چرا که نقش واقعی آنها در نگهداری خانواده را پنهان میسازد، و مهمتر از طبقه کارگر را از یک پتانسیل اعتراضی قوی محروم میکند. آنچه امروز با عنوان زن سرپرست، بیوه یا فقرا مورد تحقیر قرار میگیرد، میبایست در جای خود آتشبار حق طلبی کارگری در مقابل بساط ریاکارانه و سودجویی طبقه حاکم عمل کند.

۶-۳-۲ زنان کارگر، شتاب و روح نوین در بیمه بیکاری

اما مهمترین مطالبه مربوط به زنان در ایران، چه شاغل و چه بیکار، و آینده مبارزه طبقاتی کارگران به عرصه بیمه بیکاری گره خورده است. اشتغال زنان و ورود آنها به بازار کار بخودی خود پدیده مثبت و هیجان انگیزی نیست. بطور کلاسیک بورژوازی همواره از کارمزدی یک نعمت الهی ساخته است، بزعم بورژوازی ما کارگر باید شکر گذار و مجیز گوی استنثار خود باشد، مگر نه اینستکه بدون امکان اشتغال و کار صحبتی از دستمزد باقی نمیماند؟ دیر یا زود، طبقه کارگر درب بیمه های بیکاری مسخره امروز را تخته خواهد کرد. بیمه بیکاری یک زخم ملتهب در کشمکش های طبقاتی ایران است که تنها یک آینده در انتظار آن است: انفجار! این دمل چرکین با انواع توطئه و قرطاس بازی جمهوری اسلامی سرمایه، با درندشت بهره کشی وحشیانه محل های تولیدی عمارت وزارت کار را به آتش خواهد کشید. شرایط کار زنان، در صورتیکه راه به این رهگذر باز کند، جنبش علیه بیکاری با خواست بیمه بیکاری را به صدر کشمکش های کارگری جامعه خواهد راند.

۶-۳-۴ سیستم مزدی کارگران در ایران باید تغییر کند

سیستم مزدی جاری در ایران بر مبنای محاسبه خانواده کارگری بعنوان سلول طبقه کارگر و پایه تعیین دستمزد کارگر؛ یک سم بغایت ضد کارگری است. این سیستم زن کارگر را حلقه متصل به کارگر مرد قلمداد میکند و بعنوان عائله مندی ضریب معینی را بر دستمزد کارگر میافزاید. زن کارگر در این سیستم آدم و شهروند مستقل برسمیت شناخته نمیشود، کار زن در خانه بعنوان بخشی از کار اجتماعی مفید و مولد از هر گونه اعتباری ساقط میگردد، و آنجا که زن راسا به کار کشیده میشود با هزار بهانه دستمزد او مورد سرقت قرار میگیرد. اگر سیستم مزدی موجود و تعیین دستمزد پایه بر اساس نیاز یک خانواده کارگری زمانی میتوانست مترادف با دستمزد بهتر برای کارگران باشد، و اگر روزی خانواده کارگری نرم غالب زندگی کارگران بود، الان شرایط دگرگون و یا سرعت در حال دگرگونی است. سوسیال دمکراسی غربی در جواب زندگی مدرن انسانی سیستم مزد فردی به کارگر، چه زن و چه مرد را برقرار کرده است. این دستمزد باید کفاف خوراک، مسکن و سایر نیازمندیهای فرد مزدبگیر را را بدهد. تامین زندگی کودکان مستقیما با دولت است.

۶-۳-۵ مبارزات کارگری در محلات

در پیوند نزدیک با اشتغال زنان مبارزه بر سر رفاهیات و تسهیلات زندگی روزمره در محلات به صدر خواستها و مطالبات عمومی رانده میشود. رختشویخانه عمومی در محلات، مهد کودکها و آشپزخانه های عمومی و مجانی از جمله اقداماتی است که چندین ساعت ذیقیمت از فراغت، آسودگی و فرسایش کمتر از جسم و روح کارگران را به همراه میآورد. این عرصه ای است که مردان کارگر باید بخصوص نقش فعالی در آن ایفا نمایند، عرصه ای است که دیوارهای بلند فرهنگ مردسالارانه میتواند ترک بردارد.